

بحران‌های بانکی و مسئولیت حسابرس

تجربه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسی KPMG و بانک سیلیکون ولی

همایون مشیرزاده

چرا هر اتفاقی هر جای دنیا در زمینه‌ی مسایل مالی و اقتصادی می‌افتد، بلافاصله همه‌ی نگاه‌ها به سمت حسابرس برمی‌گردد؟!

مسئولیت عمومی و اجتماعی حسابرس به جای خود، اما مگر قرار نبود مسئولیت حساب‌ها و تهیه و ارائه‌ی صورت‌های مالی، درست و منصفانه بودن و مطلوبیت و... همه با مدیریت باشد! هیأت مدیره‌ی دزدی کرده، کلاه سهام‌داران را برداشته و فرار کرده، یقه‌ی حسابرس چهار سال قبل را گرفته‌اند؛ گویا هر که با هر که دعوا دارد، دیواری از دیوار حسابرس کوتاه‌تر نیست؛ دارایی از شرکت مالیات بی‌جهت مطالبه کرده، حسابرس باید جواب بدهد؛ ارز و قیمت سهام و بورس و بهره و نرخ سود بالا و پایین رفته، می‌گویند حسابرسان کجا بودند؛ نهادهای مالی و نظارتی چپ و راست بخشنده و دستورالعمل صادر می‌کند و حسابرسان مسئول درستی اجرای آن‌ها می‌شوند؛ چرا حسابرسان جرم کشف نکرده‌اند و به دادگاه و مراجع قانونی و... نگفته‌اند؟! از همه بدتر به نظر می‌رسد مسئولان مملکتی هم نگران برآورده

نشدن انتظارات از حسابرسان و حرفه‌اند؛ اساسنامه‌ی جامعه تغییر می‌کند، جایگاه و ساختار و ارکان و افراد و نگرش‌ها تغییر می‌یابند و...

شاید هم از ماست که بر ماست! نشستیم این طرف و آن طرف از خودمان و توانایی‌هایمان تعریف کردیم که تمام مسایل دنیا را می‌توانیم حل کنیم و اگر به حسابرس بهای لازم و اختیار کافی می‌دادند، سوءجریان‌ها و تخلفات و... اتفاق نمی‌افتاد و همه چیز گل و بلبل می‌شد!

ظاهراً این بحث‌ها فقط در ایران ما مطرح نیست و مسئله‌ای است جهانی که مبتلابه حرفه در سطح بین‌المللی است. از ابتدای قرن بیست و یکم، هر روز خبری در مورد گرفتاری‌های مؤسسات حسابرسی اقصاء نقاط دنیا منتشر می‌شود.

مشکلات شرکت‌های انرون، ورلدکام، پارمالات و... و گرفتاری‌های بعدی حسابرسان آن‌ها و به دنبال آن تدوین و اعمال قوانین و مقررات جدید نظارتی، سخت‌گیری‌های مقامات مسئول، فاصله‌ی انتظارات از حرفه، نارضایتی مؤسسات از پایین بودن حق‌الزحمه‌ی حسابرسی در

مقایسه با مسئولیت‌ها و خروج نیروهای مناسب و کاربلد از حوزه‌ی حسابرسی، ورود فناوری‌های جدید و هوش مصنوعی و چگونگی آموختن و به‌کارگیری آن‌ها، فاصله فرهنگی و زبانی با نسل جدیدی که وارد حرفه شده‌اند و و ده‌ها مسئله‌ی دیگر، دور باطلی از مشکلات ایجاد کرده که معلوم نیست چگونه باید آن‌ها را حل و فصل کرد.

القصد فعلاً مؤسسه‌ی حسابرسی KPMG یکی از چهار مؤسسه‌ی بزرگ دنیا درگیر شده است و این درگیری هم بابت بانک سیلیکون ولی Silicon Valley Bank است که گفته شده شانزدهمین بانک بزرگ امریکا بوده است.

به گفته‌ی وال استریت جورنال، کم‌تر از دو هفته بعد از صدور و انتشار صورت‌های مالی بانک و گزارش مقبول حسابرس، بانک با مشکل جدی روبرو شده است! این‌که حسابرس از موضوع مطلع بوده یا از دستش در رفته، موضوعی است که باید مورد مذاقه و بررسی مقامات ناظر و دادگاه‌ها قرار بگیرد. گزارش حسابرس در مورد شرکت مادر بانک (گروه مالی SVB) ظاهراً روز ۲۴ فوریه ۲۰۲۳ منتشر شده و

در ۱۰ مارس پس از آن که سپرده‌گذاران برای بیرون کشیدن پول‌شان از بانک صف بستند، مقامات بانک مرکزی و تنظیم‌گر (Regulator) ها به موضوع ورود پیدا کردند. حتماً چیزکی بوده که چیزها شده! از اوایل سال جاری میلادی، برداشت وجوه سپرده‌گذاران آغاز شد، وقتی مقامات بانک اعلام کردند که مانده‌ی وجوه نقد در پایان فوریه کم‌تر از پیش‌بینی‌های قبلی در ژانویه بوده است. اگر چه موضوع به بعد از سال مالی برمی‌گردد، ولی قاعدتاً حساب‌برسان باید اوضاع و احوال بعد از تاریخ ترازنامه (صورت وضعیت مالی) را هم بررسی می‌کردند؛ آن هم ریسک‌هایی با این درجه از اهمیت.

از قرار، مقامات مؤسسه‌ی حسابرسی از اظهارنظر نسبت به موضوع، به علت محرمانه بودن اطلاعات صاحب‌کار خودداری کرده‌اند. مع‌هذا اعلام کرده‌اند که مسئول مشکلات ایجاد شده بعد از اتمام عملیات حسابرسی نیستند. فعلاً مدعیان می‌گویند که اوضاع نقدینگی بانک برخلاف سه‌ماهه‌ی اول سال ۲۰۲۲ در ماه‌های پایانی سال ضعیف شده بود و حساب‌برسان حداقل باید به این موضوع توجه می‌کردند. تداوم فعالیت از اساسی‌ترین اصول کار است! لیکن به نظر می‌رسد هجوم سپرده‌گذاران بعد از تاریخ صدور گزارش حسابرسی صورت گرفته و حسب اظهارات مقامات اداره‌ی نوآوری و حمایت مالی ایالت کالیفرنیا (California Department of Financial Protection and Innovation) بانک قبل از ۹ مارس که سپرده‌گذاران بالغ بر ۴۲ میلیارد دلار از بانک گرفتند، وضعیت مالی خوبی داشته است. هرچند مقامات کمیته‌ی نظارت بر حساب‌برسان شرکت‌های سهامی عام (PCAOB) همه‌ی این مطالب را به چالش کشیده‌اند.

بانک سیلیکون ولی در اوایل دهه‌ی هشتاد میلادی در ابتدای پدیدار شدن استارت‌آپ‌های فناوری نوین و

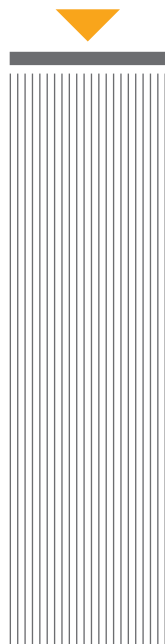
شرکت‌های نوخاسته برای تأمین مالی این موجودات عجیب و غریب نوظهور، تشکیل شد. سیلیکون ولی نامی بود که در همان دوران خبرنگاری بر دره‌ی سانتا‌کلارا نهاد. دره‌ای در جنوب سانفرانسیسکو در ایالت کالیفرنیا که از دوران تشکیل و تأسیس IBM مرکز شرکت‌های الکترونیک و ریزتراشه‌ها شده بود و گفته می‌شود به همین دلیل به‌استعاره موصوف به صفت «سیلیکون» شد. با رشد ناگهانی استارت‌آپ‌ها در زمینه‌ی فناوری‌های پیشرفته Hi-Tech و نو و هجوم شرکت‌های نوپا، سیلی از متخصصان با ایده‌های گوناگون و متعاقب آن سرمایه و نیروی کار تازه به این ناحیه سرازیر شد، به‌طوری‌که یکی از سریع‌ترین رشدهای اقتصادی را شاهد بود و طبیعتاً بانک تازه‌تأسیس SVB هم از این رشد و حجم پول بی‌سابقه بهره‌مند شد. اگرچه در سال ۲۰۲۱ دارایی‌های بانک و سپرده‌ها دوبرابر شد، مع‌الوصف گفته می‌شود فقدان تنوع لازم در سرمایه‌گذاری‌ها به‌ویژه خرید اوراق قرضه‌ی دولتی کم‌ریسک و بلندمدت از محل سپرده‌های کوتاه‌مدت از دلایل اولیه‌ی مشکل مالی بانک بوده است. چون افزایش نرخ بهره‌ی پایه توسط بانک مرکزی امریکا (فدرال رزرو) باعث شد که قیمت بازار اوراق قرضه‌ی دولتی (با بازده ثابت) کاهش یابد و از این بابت بانک دچار زیان ناگهانی شد و برای سه‌ماهه‌ی اول سال ۲۰۲۳، حدود ۸/۱ میلیارد دلار زیان کاهش ارزش سرمایه‌گذاری اعلام شد که هنوز معلوم نیست از محل فروش اوراق با زیان و جهت تأمین نقدینگی برای بازپرداخت سپرده‌های سپرده‌گذاران بوده یا صرفاً شناسایی کاهش ارزش؟! البته ظاهراً سرمایه‌گذاری‌های مزبور تحت عنوان بلندمدت (Held-to-Maturity) طبقه‌بندی شده و شناسایی کاهش ارزش طبق استانداردها و اصول پذیرفته شده‌ی حسابداری احتمالاً برای آن‌ها الزامی نبوده است! هرچند در یادداشت‌های

توضیحی صورت‌های مالی، ارزش روز این سرمایه‌گذاری‌ها افشا شده که حدود ۱۵ میلیارد دلار کم‌تر از بهای تمام‌شده‌ی آن‌ها بوده: برگ برنده یا نکته‌ی مهمی برای استدلال توسط KPMG! چراکه خواننده به آسانی متوجه کاهش ارزش و زیان می‌شده است. لابد حالا مدعی KPMG خواهند شد که چرا حساب‌برسان چنین رویه‌ی حسابداری را پذیرفته و یا تأکید و توجه لازم را در گزارش به این مطلب خاص نداده است!

همزمان با بانک سیلیکون ولی، بانک دیگری در نیویورک به نام Signature که سرمایه‌گذاری کلانی در رمزارزها داشته و با کاهش قیمت رمزارزها متحمل زیان سنگین شده، هم دچار مشکل شده است. با این تفاوت که هیچ‌گونه افشایی از بابت این کاهش ارزش‌ها در صورت‌های مالی و یادداشت‌ها نکرده بوده و پس از افزایش شدید سپرده‌ها، به‌ناگهان مردم متوجه زیان بانک شده و اقدام به بیرون کشیدن سرمایه‌هایشان کرده‌اند. این بار هم حساب‌برسان KPMG بوده است! ضمن آن که حساب‌برسی بانک First Republic نیز که ۷۶ درصد ارزش سهام آن در بورس سقوط کرده است با مؤسسه‌ی مزبور بوده است!

در این میان دلایل دیگری هم چند ماهی است برای مشکلات بانک سیلیکون ولی عنوان می‌کنند. استفاده‌ی مدیران از امکانات گسترده و متعدد بانک از قبیل سفرهای پرخرج و گران‌کاری با جت اختصاصی، پاداش‌های کلان، حقوق‌های بالا، دورکاری پرسنل در دوران کرونا و حتی بعد از پایان همه‌گیری و... که برای بقیه بانک‌ها و مؤسسات بزرگ هم موضوعیت دارد و اسباب نگرانی برای همه‌ی ذی‌نفعان شده است.

وقتی یکی از بانک‌ها سقوط کند، بقیه بانک‌ها هم، ولو از سلامت مالی برخوردار باشند، در معرض ریسک بالاتری قرار می‌گیرند. چه رسد به بانک‌های دیگری که تنوع سرمایه‌گذاری و پورتفوی محدودتری





بانک ساقط شود، باز حسابرس مسئول شناخته خواهد شد. در هر دو صورت مقامات نظارتی و بانک مرکزی و بورس و دولت و مقامات تنظیم‌گر، مردم عادی و سرمایه‌گذاران نهادی و فعالان اقتصادی و بازار سرمایه و صغیر و کبیر مدعی خواهند شد.

این در حالی است که مشکلات مشابهی برای بانک‌های دیگر در اروپا و نقاط دیگر رقم خورده یا در حال وقوع است. بانک کردیت سوییس که از مدتی پیش با یک سری رویدادهای بدنام‌کننده و درگیری در پول‌شویی در آفریقا و غیره روبرو بود، در پی زبان‌های اخیر در وضع بد مالی قرار گرفته و برای رفع یا کاهش بحران، ترتیباتی داده شد که با UBS (بانک دیگر سوئیسی) ادغام شود. از همه بدتر این که بانک‌ها زنجیره‌ای از مرادفات و مبادلات مالی با یکدیگر دارند و مشکل هر یک سریعاً به دیگران منتقل می‌شود (به اصطلاح این بیماری واگیردار یا Contagious است). بانک‌های مرکزی و نهادهایی نظیر FDIC در آمریکا (که بیمه‌گر وجوه سپرده است) سعی کرده‌اند مسئله را مدیریت و با ادغام بانک‌ها، تجدیدساختار مالی، استمهال و ده‌ها شگرد دیگر و مهندسی مالی (!) جلوی فاجعه را بگیرند و بانک‌ها را "bail-out" کنند.

در این میان هیأت مدیره‌ها حداکثر خلع شده یا تغییر می‌کنند و در بدترین حالت از این پس از مزایای قبلی آن‌چنانی و حقوق بالا و جت شخصی و حق سمت و حق حضور و پاداش و غیره برخوردار نخواهند بود!

ولی حسابرس‌ها بابت مبلغ حق الزحمه‌ای کم یا زیاد، باید سال‌ها بدنامی و مشقت و گرفتاری را تحمل کنند و به زمین و زمان جواب بدهند!

را نمی‌کرده، قرار است FDIC (یا همان صندوق تأمین خسارات سپرده‌گذاران) به موضوع ورود پیدا کند و از میلیاردها دلار زیان سرمایه‌گذاران (در محدوده‌ای البته) جلوگیری نمایند. صحبت‌هایی هم از خرید SVB توسط بانک First Citizen شده بود. این موارد باعث شد تا ناظران بین‌المللی و وضع‌کنندگان مقررات بانکداری جهانی، در ضوابط سرمایه‌ی پایه و توانگری و میزان نقدینگی بانک‌ها تجدیدنظر کنند و به‌ویژه میزان سرمایه‌گذاری بانک در رمزارزها را محدود کرده، به‌طوری که این‌گونه سرمایه‌گذاری‌ها در حد زیر ۱٪ سرمایه‌ی لایه‌ی یک بانک (Tier 1 Capital) قرار گیرد.

بیچاره حسابرس‌ها! این شرایط و اوضاع همواره برای حسابرس بانک باخت‌باخت است. چنانچه حسابرس به موضوع توجه کرده و موضوع ناتوانی در ادامه‌ی فعالیت را به استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی توجه بدهد، عملاً موجب ناتوانی و ورشکستگی صاحب‌کار خواهد شد و اگر هم مشکل را عنوان نکنند و بعد

دارند، همانند SVB که به شرکت‌های نوخاسته یا استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های پرخطر و سرمایه‌گذاری‌ها متهورانه وام داده و یا در آن‌ها سرمایه‌گذاری داشته است. (در مورد SVB گفته می‌شود بسیاری از سرمایه‌گذاری‌های مخاطره‌آمیز و پرریسک بانک، بازده نداشته و باید از حساب‌ها حذف شوند.) ضمن آن که بانک‌ها عملاً در کارهای فناوری بالا و پیشرفته که رقابت بسیار بالا و ریسک زیادی دارند (از جمله رمزارزها) وارد شده‌اند (عدم توفیق شرکت‌های Hi-Tech موجب بروز مشکل برای بانک‌ها هم می‌شود) و خلاصه سقوط پشت هم و دومینووار، اسباب وحشت همه شده است. گفته می‌شود به‌رغم تصمیمات قبلی خانم ژانت یلن وزیر خزانه‌داری آمریکا و اعلام‌نظر کاخ سفید مبنی بر عدم مداخله در موضوع، در دو سه ماهه‌ی اخیر مقامات برای نجات بانک (به اصطلاح خودشان bail-out کردن بانک) اقدام کرده و به گفته‌ی مجله‌ی «فورچون»، در شرایطی که زیان بانک بیش از بیست میلیارد دلار برآورد شده و بیمه‌ی سپرده‌ها تکافوی جبران زیان سپرده‌گذاران

پی‌نویس:

۱. در هنگام نهایی کردن این متن، مجله‌ی «حسابدار رسمی» شماره ۶۱ انتشار یافت که در مقاله‌ای بسیار خواندنی تحت عنوان «چه کسی مسئول شکست بانک سیلیکون ولی است؟» تحلیل جامعی از دلایل سقوط بانک ارائه شده و از دیدگاه راهبری شرکتی، بی‌تدبیری و سوءمدیریت و خطاهای بانک را برشمرده است. خواندن مجدد مقاله‌ی مزبور و در نظر داشتن اشتباهات هیأت‌مدیره‌ی بانک و کوتاهی‌های مقامات ناظر و مقایسه آن با گرفتاری‌های حسابرسان با توجه به توضیحات ارائه شده خالی از لطف نیست!